

درختان گردو و گلابی منتظر دستان مهربان تو هستند

وقتی مرگ، یکی از عزیزان را از ما می گیرد، سازواره ی دفاعی ما سعی می کند دلیل، حکمت، منطق، عدالت و یا معنائی در این مرگ ببیند تا ما تسلی و تسکین یابیم. وقتی پدرم فوت کرد، علی رغم اینکه به شدت غمگین شدم، اما این تسلی را به خود می دادم که او عمر طولانی در عزت کرد و در این سالهای آخر عمرش زمینگیر و نیازمند کمک دیگران بود. پدرم همیشه در زندگی دعا می کرد: "خدایا هیچکس ره زمینگیر و دس اش (محتاج). نکن!" همه عزیزان، به ویژه زینب، از او به بهترین وجه پرستاری کردند. اما، آیا هیچ دلیل، حکمت، منطق، عدالت و یا معنائی می توان در مرگ زینب یافت. هر چه می اندیشم، هیچ نکته تسلی بخش و تسکین دهنده نمی یابم. به فرزندانش فکر می کنم. بابک و مازیار بیش از هر زمانی به مادر احتیاج دارند. به مادرش فکر می کنم. مادرش داغ شوهر جوان، داغ دختر نوجوان دید، کافی نبود؟ مگر مقاومت یک مادر چقدر است؟ مگر یک مادر چقدر باید داغ ببیند؟ به شوهرش فکر می کنم. پس از اینهمه سال دوش به دوش هم دوندگی کردن حال چگونه تنها ادامه دهد؟ با همه خاطرات خوب و بد گذشته چه کند؟ به خود زینب فکر می کنم و به او می گویم، زینب جان!:

درختان گردو و گلابی که پروردی منتظر نوازش دستان مهربان تو هستند. خانه نوئی که ساختی چشم براه گرد گیری همیشگی توست. مغازه ای که تازه تعمیر کردی منتظر است که آن را بگشائی. پسرانت می خواهند با تو از راز عشق های نخستین شان بگویند. شوهرت هنوز گفت و شنودش با تو تمام نشد. زینب جان! پدر جوانت و خواهر نوجوانت تازگی به سفر رفتند. ما هنوز حیرت و سرگردانی آن سفر را از سر نگذرانیم. زینب جان! مگر به خاطر نداری که اوایل پائیز فصل برداشت است، چرا ما را تنها گذاشتی؟ تو که از زیر کار در رو نبودی. زینب جان! مگر نمی دانی که تو ستون و روشنائی خانه ما بودی. بی تو با تاریکی فراگیر چه کنیم؟

در مرگ هیچ منطق، معنی، عدالت و یا دلیلی نمی توان یافت. اما، مرگ یک پیام بسیار روشن و گویا دارد: انسان بسیار شکننده و به غایت آسیب پذیر است و چنگال مرگ می تواند هر آن عزیزی را از ما برباید. زندگی بدون استثنا برای همه سخت است. هر انسانی بدون استثنا به دیگران نیاز دارد. باید در دوران حیات قدر هم را بدانیم. همدیگر دوست بداریم و دست هم را بگیریم، تا زندگی را برای همدیگر قدری آسانتر، قدری زیباتر و قدری شادتر کنیم.

اجل سنگ است و آدم مثل شیشه

عزیزون قدر یکدیگر بدونید

ahad.ghorbani@gmail.com

<http://ahad-ghorbani.com/>

<http://www.facebook.com/ahad.ghorbani.dehari>